

استقبال و تتبع شاعران از قصیده ی رودکی

احد پیشگر*

چکیده

استقبال / اقتفاء/تتبع / نظیره گویی در اصطلاح ادب آن است که شاعری ، شعر شاعری دیگر را سرمشق قرار دهد و با تقلید وزن و قافیه ی آن ، شعری که اصطلاحاً به آن نظیره گویند ، بسازد . موضوع « تتبع » در نقدالشعر کهن اسلامی عموماً در خاتمه ی فن بدیع و ذیل «سرقات شعری » بحث شده است . پرداختن به موضوع تتبع / استقبال / نظیره گویی صرفاً در حوزه ی بحث از سرقات شعری گر چه می تواند منابع الهام شاعران را - در مواردی - و نهایتاً میزان تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری یک شاعر را نشان دهد ، اما با اتخاذ رویکردی امروزی و به طور مشخص رویکردی تطبیقی و تاریخی ، اگر چنانچه ، تتبع یک شعر را در گستره ی تاریخی و اعصار بعدی ، به استقصا و استیفای تمام - البته در حد ممکن و مقدور - بتوان پی گرفت و نمونه ها را استخراج کرد و سپس میزان تأثیرپذیری هر یک از شاعران را در حوزه ی صورت و معنا نشان داد ، بی شک می توان به درک و تحلیل تطبیقی و تاریخی عمیق تری نسبت به چگونگی سیر و تحولات گوناگون سنت و میراث شعری ارجمند ادب فارسی دست یافت و گذشته از آن ، چنین تحقیقی می تواند هر نوع بررسی و تحلیل و نتیجه گیری را به نمونه ها و شواهدی کافی و مجاب کننده ، مستند سازد و طبیعتاً نتایج چنین بررسی ای ، با دور شدن از هر نوع کلی گویی و ابهامی ، نتایجی صریح ، جزئی ، دقیق و قابل استناد خواهد بود و در عین حال می تواند میزان مرجعیت شاعران و مراتب تقلید و یا خلاقیت هر یک از ایشان را به روشنی نشان دهد . در این تحقیق یکی از برجسته ترین قصاید «پدر شعر

فارسی» یعنی رودکی با مطلع : **باد جوی مولیان آید همی بوی یار مهربان آید همی**

از جهت تتبع و استقبال در آثار شاعران پس از وی به دقت پی گیری شده است . نتایج این تحقیق به طور مشروح و مستند به شواهد و دلایل کافی ، به روشنی این مطلب را نشان می دهد که شهرت و رواج فوق العاده ی قصیده ی رودکی باعث شده است که شعر او مورد تتبع شاعران اعصار بعدی قرار گیرد . گستره ی زمانی این تحقیق از قرن پنجم هجری آغاز و به دوره ی معاصر منتهی می شود .
واژه های کلیدی : شعر فارسی ، رودکی ، قصیده ، استقبال ، تتبع ، نظیره .

*عضو هیأت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

مقدمه

ابوعبدالله جعفر بن محمد بن حکیم بن عبدالرحمن بن آدم، ملقب به رودکی، در اواسط قرن سوم هجری در قریه ی «بنج» از قرای رودک سمرقند متولد شد. از آغاز حیات و کیفیت تحصیلاتش اطلاع دقیقی در دست نیست و عوفی گفته است: «چنان ذکی و تیزفهم بود که در هشت سالگی قرآن تمامت حفظ کرد و قرائت بیاموخت و شعرگفتن گرفت و معانی دقیق می گفت چنان که خلق بر وی اقبال نمودند و رغبت او زیادت شد.» (صفا، ۱۳۷۱، ج اول، ص ۳۷۲)

رودکی علاوه بر حفظ قرآن و طبع شعری، به هنرهای دیگری نیز آراسته بوده است، یعنی هنر خوانندگی و نوازندگی، لیکن میزان تسلط و مهارت وی در هنر موسیقی بسیار بیش از آن چیزی است که شعرای فارسی هم عصر وی و یا شعرای فارسی قرن های بعد عموماً تا حدودی از آن بهره مند بوده اند. بنابراین اعتقاد به پیوستگی شعر و موسیقی در ایران تا قرن پنجم و خوانده شدن شعر به آهنگ های موسیقی و استادی کسانی چون منجیک ترمذی و فرخی در این هنر، گرچه نظری پذیرفته شده میان محققان ادب فارسی است ولیکن بعید به نظر می رسد که بتوان اشخاص مذکور را هم ردیف با رودکی در این هنر دانست. برجستگی چشمگیر و در عین حال توأمان رودکی در هنر شعر و موسیقی تقریباً منحصر به فرد است. اشاره به این موضوع گرچه در همه ی منابع مربوط به حیات وی وجود دارد، اما خلاصه و پایه ی همه ی آنها را باید، این عبارات عوفی در لباب الالباب شمرده که: «رودکی را آفریدگار، آوازی خوش و صوتی دلکش داده بود و به سبب آواز در مطربی افتاده بود و از ابوالعبک بختیار که در آن صنعت صاحب اختیار بود بربط بیاموخت و در آن ماهر شد و آوازه ی او به اطراف و اکناف عالم بر رسید.» (عوفی، ۱۹۰۳، ج ۲، ص ۶) در اشعار او اشاراتی در این باب هست:

بدان زمانه ندیدی که در جهان رفتی سرود گویان، گویی هزارستان بود

(رودکی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۷)

و یا:

رودکی چنگ برگرفت و نواخت باده انداز کو سرود انداخت

(همان، ص ۱۰۰)

مهارت رودکی در موسیقی و بربط نوازی و خوانندگی باعث شد که راهی بخارا شده، به درگاه امرای آل سامان پیوندد. پس از ورود رودکی به دربار نصر بن احمد، آن امیر شیفته ی ذوق و هنر و قریحه ی او شد و با صله های فراوان خود، شاعر را توانگر کرد. رودکی نیز ذوق و هنر خود را در خدمت امیر نصر به کار گرفت و به مجالس او رونق و شادی بخشید. دولتشاه سمرقندی در کتاب تذکره الشعرا درباره ی تأثیر شعر رودکی بر امیر نصر آورده است: «امیر نصر بن احمد سامانی را چون ممالک خراسان مسلم شد و به دارالملک هرات رسید، باد شمال و هوای با اعتدال آن شهر جنت مثال، امیر را ملایم طبع افتاد، نوبهار سرخس و تموز کوهسار بادغیس و خزان پرنعمت حوالی شهر مشاهده کرد و امیر را دارالملک بخارا که تختگاه اصلی آن خاندان است، از خاطر محو شد. امرای دولت و ارکان حضرت سلطنت را چون وطن و مسکن و ضیاع و عقار از قدیم الایام در بخارا بوده، از مکث امیر در هرات ملول شدند و به هیچ حيله امیر قصد بخارا نمی کرد. استعانت به استاد رودکی بردند تا امیر را در مجلس انس بر عزیمت بخارا تحریض کند و مالی عظیم استاد را تقبل کردند. روزی امیر را در مجلس شراب ذکر نعیم بخارا و هوای آن ملک جنت آسا بر زبان گذشت. استاد رودکی این ابیات را بدیهه نظم کرده عرضه داد:

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی
یاد یار مهربان آید همی...

بوی جوی مولیان آید همی

گویند که امیر را چنان این قصیده به خاطر ملایم آمد که موزه در پا ناکرده، سوار شد و عزیمت بخارا کرد و عقلا را این حکایت به خاطر عجیب می نماید که این نظمى است ساده و از صنایع و بدایع و متانت عاری. چه اگر در این روزگار سخنوری مثل این نوع سخن در مجلس سلاطین و امرا عرض کند، مستوجب انکار همگان شود. اما چون می شاید که چون استاد را در اوتار و موسیقی و قوف تمام بوده، قولی و تصنیفی ساخته باشد و به آهنگ اغانی و ساز این شعر را عرض کرده، در محل قبول افتاده باشد. القصه استاد را نشاید انکار کرد.» (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۸۵، صص ۵۹-۵۷)

شاعران معاصر رودکی و گویندگان پس از او به فضل تقدّم و تقدّم فضل وی معترف اند، چنان که ابوالحسن شهید بلخی معاصر رودکی در باب او چنین گفته است:

رودکی را سخنی تلوئی است

به سخن مانند شعر شعرا

رودکی را خه و احسنت هجی است

شاعران را خه و احسنت مدیح

(مدبری، ۱۳۷۰، ص ۲۸)

عنصری هم که خود از شاعران بزرگ دربار غزنوی بوده است آرزو می کند که بتواند غزل رودکی وار بگوید:

غزل رودکی وار نیکو بود غزل های من رودکی وار نیست
اگرچه پیچم به باریک وهم بدین پرده اندر مرا بار نیست

(عنصری، ۱۳۶۳، ص ۳۲۷)

ناصرخسرو نیز که خود در سرودن اشعار زهد و پند از استادان مسلم شعر فارسی است، به این

مضمون شعر رودکی توجه داشته و می گوید:

اشعار زهد و پند بسی گفته است آن تیره چشم شاعر روشن بین

(ناصرخسرو، ۱۳۶۸، ص ۹۰)

رودکی به کثرت شعر معروف است و رشیدی سمرقندی شاعر قرن ششم درباره ی تعداد اشعار رودکی می گوید:

گر سری یابد به عالم کس به نیکو شاعری رودکی را بر سر آن شاعران زبید سری

شعر او را برشمردم سیصد و ده هزار هم فزون آید اگر چونان که باید بشمری

و عوفی نیز یادآور شده است که شعر رودکی در صد دفتر گردآوری شده بود. (لباب الالباب، ج ۲،

ص ۷) اما مرحوم فروزانفر در کتاب «سخن و سخنوران» می نویسد: «این مقدار شعر به مبالغه نزدیکتر است تا به واقع و اکنون از این ابیات جز مقدار کمی به جا مانده و مابقی دستخوش حوادث گردیده است.» (فروزانفر، ۱۳۶۹، ص ۱۹).

طبق نظر مرحوم سعید نفیسی: «از اشعار منسوب به رودکی به جز آنچه به شعرای دیگر منسوب است و در دیوان ایشان می توان یافت، تاکنون ۱۰۴۷ بیت فراهم شده است: ۱- از قصاید و مقطعات ۵۷۲ بیت. ۲- از رباعیات ۷۶ بیت. ۳- از ابیات پراکنده که متعلق به قصاید و مقطعات و غزلیات و غیره بوده است ۱۷۷ بیت. ۴- از مثنویات ۲۲۲ بیت.

(نفیسی، ۱۳۸۲، صص ۴۴۳-۴۴۲)

مضامین شعری رودکی

در مورد مضامین شعری رودکی باید گفت: «رودکی در همه ی مضامین شعری متداول روزگار خود طبع آزمایی کرده و از آنها سربلند بیرون آمده است. مهم ترین مضمون در اشعار رودکی را مدح تشکیل می دهد و مشهورترین و بلندترین مدایح او قصیده ی «مادر می» نام دارد. از دیگر مضمون های اشعار رودکی می توان به مرثی، مهاجات، غزلیات، خمریات، تشبیهات، مناظر طبیعی، امثال و معارف و حکم اشاره کرد. قصیده ی معروف «پیری» رودکی که در میان سروده های کامل شاعر، دومین شعر طولانی او محسوب می شود، خاطرات شیرین گذشته ی وی را به کمک تشبیهات و استعاره های زیبا و بدیع بر پرده ی شعرکشیده است.» (رادفر، ۱۳۸۶، ص ۱۳).

رودکی از آرایه ها و صنایع بدیعی هم در اشعار خود بهره برده است و از میان صنایع لفظی موازنه، ترصیع و انواع جناس و از بین صنایع معنوی مراعات نظیر، تضاد، سیاقه الاعداد و تنسیق الصفات و تصدیر بیش از صنایع دیگر است:

نه جز غیب چیزی است کان تو ندانی

نه جز غیب چیزی است کان تو نداری

(رودکی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۹)

در بیت فوق علاوه بر صنعت «ترصیع»، در میان کلمات «غیب - غیب» جناس خطی نیز هست. یا

بیت زیر که در آن آرایه ی تصدیر به کار رفته است:

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی
اثر میر نخواهم که بماند به جهان میر خواهم که بماند به جهان در، اثر

(همان، ص ۹۴)

یا ابیات زیر که دارای صنعت سیاقه الاعداد و تنسیق الصفات است:

گل صدبرگ و مشک و عنبر و سیب یاسمین سپید و مورد بزیب

این همه یکسره تمام شده است نزد تو ای بت ملوک فریب

(همان، ص ۱۳۰)

یا ابیات زیر که در آنها آرایه های مراعات نظیر و تضاد هست:

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب با صد هزار نزهت و آرایش عجیب

شاید که مرد پیر بدین گه شود جوان گیتی بدیل یافت شباب از پی مشیب

(همان، ص ۹۷)

یا بیت زیر که دارای صنعت موازنه است :

صُلُصُل به سرو بُن بر ، با نغمه ی کهن بلبل به شاخ گل بَر ، با لحنک غریب

(همان ، ص ۹۸)

از میان صُور خیال نیز ، رودکی از تشبیه بیش از بقیه استفاده می کند و به مدد آن احساسات خود را

به دیگران انتقال می دهد ؛ از جمله :

آن ابر بین که گرید چون مرد سوگوار و آن رعد بین که نالد چون عاشق کئیب

خورشید را ز ابر دمـد روی گاه گاه چونان حصاری ، که گذر دارد از رقیب

(همان ، ص ۹۷)

ذکر این نکته ضروری است که بیشترین تشبیهات رودکی حسّی هستند.

نفوذ ادبی رودکی

نفوذ ادبی و شعری رودکی باعث شده است که بسیاری از شاعران در آثار خود ابیاتی از او را به

صورت تضمین بیاورند ، یا اشعاری بر وزن و قافیه و مضمون شعر او بسرایند ، از جمله :

یکی بیت نغز است مر رودکی را که انـدر جهان تو سزاوار آنی

« نه جز غیب چیزی است کان تو نداری نه جز غیب چیزی است کان تو ندانی »

(امیر معزی ، ۱۳۸۵ ، ص ۶۰۴)

بیت دوّم شعر فوق از رودکی است : ۱۳۹۱ دی ۶ و ۵

که دل شاد دارد به هر دوستگانی

کسی را چو من دوستگان می چه باید؟

نه جز غیب چیزی است کان تو ندانی

نه جز غیب چیزی است کان تو نداری

(رودکی ، ۱۳۷۳ ، ص ۱۵۹)

یا قصیده ی ۵۲ بیتی محمّد تقی بهار با مطلع :

که با زمانه مرا عهد بود و پیمان بود

به کام من یک چند گشت کیهان بود

(بهار ، ۱۳۷۸ ، ص ۵۱)

که آن را در سال ۱۲۸۴ خورشیدی در سن ۲۰ سالگی ، به یاد مرگ پدر و تأسف از فقدان و شکایت از نیرنگ حسودان ، به اقتفای قصیده ی ۳۴ بیتی رودکی با مطلع زیر سروده است :

مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود نبود دندان ، لابل چـراغ تابان بود

(رودکی ، ۱۳۷۳ ، ص ۱۱۵)

بهار در قصیده ی خود بسیاری از مضامین و ترکیبات قصیده ی رودکی را آورده است حتّی مصراع هایی از شعر او را در قصیده ی خود تضمین کرده است :

« مرا بسود و فرو ریخت هرچه دندان بود

بدان طریق بگفتم من این چکامه که گفت :

کز آل سامان کارش همه به سامان بود
« مرا بزرگی و نعمت ز آل سامان بود »
اگر فلان را نعمت ز خوان بهمان بود

چنان فزونی زان یافت رودکی به سخن
حدیث نعمت خود زان گروه کرد و بگفت :
کنون بزرگی و نعمت مرا ز خدمت توست

(بهار ، ۱۳۷۸ ، ص ۵۳)

یکی دیگر از اشعار رودکی که مورد تتبع و استقبال شاعران واقع شده است ، قصیده ای است ۹ بیتی با مطلع :

باد جوی مولیان آید همی بوی یار مهربان آید همی

(رودکی ، ۱۳۷۳ ، صص ۱۵۷-۱۵۸)

وزن قصیده : « فاعلاتن فاعلاتن فاعلن » و بحر شعری آن « رمل مسدّس محذوف » می باشد.

بیت مطلع قصیده ی رودکی در چهار مقاله ی نظامی عروضی بدین صورت آمده است :

بوی جوی مولیان آید همی بوی یار مهربان آید همی

(نظامی عروضی ، ۱۳۷۶ ، ص ۴۹)

ولی دکتر محمد امین ریاحی در کتاب « گلگشت در شعر و اندیشه ی حافظ » می نویسد : « در چهار

مقاله (که از روی دست نویس های بکلی جدید چاپ شده) بیت چنین است :

بوی جوی مولیان آید همی بوی یار مهربان آید همی

اما علاوه بر اینکه « بوی جوی » مفهوم دلنشینی ندارد ، تکرار بوی در دو مصراع پیاپی ناخوشایند

است و توی ذوق می زند . برای رفع این عیب تصرّفات دیگری شده است . در دست نویس های

کهن بعضی متون دیگر که این بیت را آورده اند « بوی جوی مولیان » را در مصرع اول به صورت « بانگ جوی مولیان » درآورده اند یا در مصرع دوم « بوی یار » را « یاد یار » گردانیده اند و استاد فروزانفر در سخن و سخنوران آن را به این صورت چاپ کرده : « یاد یار مهربان آید همی » ، سعید نفیسی هم در احوال و اشعار رودکی همین را آورده است . « (ریاحی ، ۱۳۷۴ ، ص ۳۶۵) .

به نوشته ی دکتر محمد امین ریاحی ، بیت اول قصیده ی رودکی در متن های قدیمتر ، از جمله کشف الاسرار ، تاریخ و صاف ، مرصاد العباد ، تاریخ گزیده ، حبیب السیر به صورت زیر آمده است که صحیح است :

باد جوی مولیان آید همی

بوی یار مهربان آید همی

همچنین ادامه داده اند که « جوی مولیان » به نوشته ی تاریخ بخارا ، نام محلی بوده نه نام جویی و طبعاً شاعر گفته است : باد آن محله (جوی مولیان) می آید و بوی یار را می آورد . (همان ، به تلخیص ، صص ۳۶۶-۳۷۱) .

رودکی در قصیده ی فوق به مدد تشبیه حرف دل خود را به بهترین شکل به تصویر کشیده است ؛ از جمله :
ریگ آموی و درشتی راه او
زیر پایم پرنیان آید همی

(رودکی ، ۱۳۷۳ ، ص ۱۵۸)

در بیت فوق ریگ آموی (شنزارهای بیابان آموی) به پرنیان (حریر) تشبیه شده است که حسّی است . یا بیت زیر :

میر ماه است و بخارا آسمان
ماه سوی آسمان آید همی

(همان ، ص ۱۵۸)

در این بیت سه تشبیه بلیغ بکار رفته است : ۱- تشبیه امیر به ماه . ۲- تشبیه بخارا به آسمان . ۳- تشبیه آمدن ماه وجودی امیر به سوی آسمان بخارا . یا بیت زیر :

میر سرو است و بخارا بوستان
سرو سوی بوستان آید همی

(همان ، ص ۱۵۸)

در بیت فوق نیز سه تشبیه بلیغ هست .

موضوعی که به نظر می رسد تا امروز مورد توجه محققان قرار نگرفته است ، شباهت جالبی است میان قطعه ای بازمانده از بارید با ابیاتی معروف از رودکی ، مرحوم دکتر تفضلی قطعه شعر ذیل را از بارید در مدح خسرو پرویز از آثار ابن خرداداد به نقل کرده است :

خاقان ماه ماند و قیصر خرشید

کخاهد ماه پوشد ، کخاهد خرشید

آن من خدای ، ایر مانده ، کامغاران

خاقان مانند ماه و قیصر مانند خورشید است ، اما خداوندگار من مانند ابر کامکار است ، هرگاه بخواهد ماه را می پوشد ، و هر گاه بخواهد خورشید را . (تفضلی ، ۱۳۷۷ ، ص ۳۱۱). طرز بیان و نوع تشبیهات در قطعه ی فوق ، ابیات معروف رودکی را در مدح امیر نصر سامانی به یاد می آورد :

میر ماه است و بخارا آسمان

ماه سوی آسمان آید همی

میر سرو است و بخارا بوستان

سرو سوی بوستان آید همی

(رودکی ، ۱۳۷۳ ، ص ۱۵۸)

روانی وزن قصیده ی رودکی و کوتاه بودن بحر و همچنین همنوایی و پیوند دلنشین حروف و تکرار ردیف « آید همی » موسیقی مستی بخش به این قصیده داده است ، به همین خاطر این قصیده از سوی شاعران مورد تتبع و استقبال قرار گرفته است .

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

موارد تتبع و استقبال شاعران از قصیده ی رودکی^۱

۱- سنایی غزنوی (۶۷-۵۲۹ ه.ق.) شاعر و حکیم و عارف والا مقام قرن پنجم غزلی ۷ بیتی بر وزن و قافیه ی قصیده ی رودکی دارد با مطلع :

خسرو مازندران آید همی

یا مسیح از آسمان آید همی

(سنایی ، ۱۳۶۲ ، ص ۱۰۳۶)

۱- مقاله ای ارزنده از زنده یاد دکتر محمد معین با عنوان « قصیده ی رودکی و استقبال گویندگان » در بهمن ماه سال ۱۳۲۳ در مجله ی آموزش و پرورش به چاپ رسیده و سه سال بعد در مجله ی آریانا - سال پنجم ، شماره سوم - تجدید چاپ شده است و در آن از چهار شاعر (۱- معزی ۲- مولوی ۳- حیرت ۴- سید احمد خان) به عنوان متبیین قصیده ی رودکی یاد شده است ، لذا اینجانب از آوردن موارد فوق در مقاله ی خود ، با در نظر گرفتن فضل تقدّم و تقدّم فضل کار مرحوم معین و همچنین به منظور پرهیز از تکرار خودداری می کنم .

سنایی در غزل خود علاوه بر آوردن بسیاری از مضامین و ترکیبات قصیده‌ی رودکی، حتی سه بیت قصیده‌ی رودکی را تضمین کرده است:

زیگر پامان پرنیان آید همی	ریگ آموی و درازی راه او
اسب ما را تا میان آید همی	آب جیحون از نشاط روی دوست
بوی یار مهربان آید همی	رنج غربت رفت و تیمار سفر
یاد جوی مولیان آید همی	این از آن وزن است و گفته رودکی

(همان، صص ۱۰۳۶-۱۰۳۷، ابیات ۷-۴)

شایان ذکر است که ابیات چهارم و پنجم و مصراع‌های دوم ابیات ششم و هفتم غزل سنایی تضمینی از قصیده‌ی رودکی است.

۲- ملک محمود تبریزی (وفات ۶۹۶ ه.ق.) پسر ملک مظفر از سرایندگان نیمه‌ی دوم سده‌ی هفتم هجری است که غزلی هشت بیتی بر وزن و قافیه و مضمون شعر رودکی دارد با مطلع:

از صبا بویی ز جان آید همی گویا آن مهربان آید همی

(ایمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۹)

۳- سیف الدین محمد فرغانی (وفات ۷۰۵ ق) قصیده‌ای ۵۱ بیتی دارد با مطلع:

نام تو چون بر زبان آید همی آب حیوان در دهان آید همی

(ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی، سیف فرغانی، ۱۳۶۴، صص ۱۶۰-۱۵۸)

سیف فرغانی علاوه بر آوردن بسیاری از مضامین و ترکیبات شعر رودکی در قصیده‌ی فوق، دو مصراع شعر رودکی را نیز به صورت تضمین در شعر خود آورده است:

خاک کوی او خوهم کز هر سُوش « باد جوی مولیان آید همی »

(همان، ص ۱۶۰، ب ۴۲)

که مصراع دوم تضمینی از مصراع اول بیت مطلع شعر رودکی است. یا بیت زیر:

سوی گل ز آن می روم کز وی مرا « بوی یار مهربان آید همی »

(همان، ص ۱۶۰، ب ۴۴)

مصراع دوم بیت فوق تضمینی از مصراع دوم بیت مطلع شعر رودکی می‌باشد. دکتر ذبیح الله صفا در مقدمه‌ی دیوان سیف فرغانی می‌نویسد: « سیف فرغانی قسمتی از قصیده‌های خود را در استقبال

قصاید مشهور فارسی سروده و آنها را جواب گفته است ، و چنانکه می دانیم این از جمله رسم ها و عادت های شاعران از اواخر سده ی ششم به بعد است که شاعر استاد به کسی می گفتند که بتواند از عهده ی جوابگویی استادان مقدم برآید . از جمله ی این جوابهاست پاسخ رودکی . (همان ، مقدمه ، ص ۲۰)

۴- لطفعلی بیگ آذر بیگدلی (۱۱۹۵-۱۱۳۴ هـ. ق .) شاعر نامدار سده ی دوازدهم هجری قمری قصیده ای ۹۷ بیتی بر وزن و قافیه و مضمون شعر رودکی در تعریف میرزا نصیر طیب اصفهانی

سروده است با مطلع :

بوی جان از اصفهان آید همی

از صفهان بوی جان آید همی

(آذر بیگدلی ، ۱۳۶۶ ، صص ۱۵۰-۱۴۶)

آذر بیگدلی در قصیده ی خود بسیاری از مضامین و ترکیبات شعر رودکی را آورده ، حتی مصراعی از شعر رودکی را تضمین کرده است :

رودکی گو نشنود کز اصفهان « بوی یار مهربان آید همی »

(همان ، ص ۱۵۰ ، ب ۸۵)

دکتر غلامحسین بیگدلی در مقدمه ی دیوان آذر بیگدلی می نویسد : « آذر هم مانند بسیاری از شعرا به استقبال رودکی رفته و قصیده ی وطن پرورانه وی را نمونه و الگو قرار داده است و الحق نیز به خوبی و توانایی از عهده برآمده است. » (همان ، مقدمه ، ص ۶۶).

۵- صدرالممالک اردبیلی (وفات ۱۲۷۱ ق) . غزلی ۲۲ بیتی بر وزن و قافیه و مضمون شعر رودکی دارد با مطلع :

بر مشامم بوی جان آید همی بوی یار مهربان آید همی

(صدرالممالک اردبیلی ، ۱۳۸۶ ، صص ۸۱-۸۰)

مصرع دوم بیت مطلع شاعر تضمینی از مصرع دوم بیت مطلع شعر رودکی است .

۶- داوری شیرازی (۱۲۸۳ - ۱۲۳۸ هـ. ق .) فرزند وصال شیرازی سه شعر بر وزن و قافیه و مضمون شعر رودکی دارد که اولی قصیده ای ۳۵ بیتی است با مطلع :

بانگ زنگ کاروان آید همی های و هوی ساربان آید همی

(داوری شیرازی ، ۱۳۷۰ ، ص ۵۳۰)

لازم به یادآوری است که داوری قصیده ی فوق را در مدح شاهزاده حسام السلطنه که به حکمرانی فارس رسیده ، سروده است :

این همان اعظم حسام السلطنه است کز در صاحب قران آید همی
(همان ، ص ۵۳۰ ، ب ۱۷)

دومین شعر داوری با عنوان « آمدن فصل خزان » دارای ۱۹ بیت با مطلع :

هر طرف باد وزان آید همی در هوا بوی خزان آید همی
(همان ، ص ۵۷۳)

سومین شعر داوری غزلی ۸ بیتی است با مطلع :

چون که باد مهرگان آید همی یاد یار مهربان آید همی
(همان ، ص ۵۷۴)

شایان ذکر است که مصراع دوم بیت مطلع غزل داوری تضمینی از مصراع دوم بیت مطلع شعر رودکی است .

۷- غالب دهلوی (۱۲۸۵ - ۱۲۱۲ ق) قصیده ای ۴۷ بیتی در مدح شاهزاده میرزا فتح الملک بهادر دارد با مطلع :

داور سلطان نشان آید همی سرور گیتی ستان آید همی
(غالب دهلوی ، ۱۳۸۱ ، ص)

غالب دهلوی در قصیده ی خود بسیاری از مضامین و ترکیبات شعر رودکی را آورده است .
۸- امامی شیرازی از شاعران دوره ی قاجاریه قصیده ای بر وزن و قافیه و مضمون قصیده ی رودکی دارد که سید احمد دیوان بیگی شیرازی در کتاب حدیقه الشعرا در مورد شعر او می نویسد : « اگر چه به عقیده ی حقیر پس از استاد رودکی هر کسی این قصیده را گفته جلوه نکرده ، چنانچه به خود جناب شیخ هم اظهار شد معذک چند بیت از این قصیده را خوب گفته . » (دیوان بیگی شیرازی ، ۱۳۶۴ ، ص ۶۴).

هم به ملک فارس آید یا که زال سوی شهر سیستان آید همی

رستمی در هفتت خوان آید همی
یا به جسم مرده جان آید همی
یا جهانبان در جهان آید همی
از بر شاه زمان آید همی
صاحب بخت جوان آید همی

بهر دفع و رفع دیوان زمان
بر به چشم کور نور آید مگر
شهر ما را شهریار آید به سر
مژده ای دل که قوام الملک راد
عقل او پیر است و بخت او جوان

(همان، ص ۶۵)

۹- چاکر کاشانی از شاعران دوره ی قاجاریه قصیده ای شش بیتی بر وزن و قافیه و مضمون شعر رودکی دارد که طبق نوشته ی سید احمد دیوان بیگی در کتاب حدیقه الشعرا: « قصیده اش را تتبع طرز حکیم رودکی کرده و به گمان حقیر هیچ مناسبتی ندارد . »

برکه ما را ارمغان آید همی
بر مشامم بوی جان آید همی
ثانی نوشیروان آید همی
یا سوار سیستان آید همی
موسی عمران شبان آید همی
از در شاه زمان آید همی

پیکی از بخت جوان آید همی
می رسد پیراهن یوسف ز مصر
رفت ظلم از ساخت گیتی برون
می رسد اسپهد جم اقتدار
گلّه ی این آفرینش را ز حق
میر دریا دل منوچهر زمین

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی (همان، ص ۳۹۴)

۱۰- سید محمد اصفهانی از سادات عالی درجات بلوک لنجان اصفهان و از شاعران دوره ی قاجاریه قصیده ای بر وزن و مضمون شعر رودکی دارد که پنج بیت آن طبق نوشته ی سید احمد دیوان بیگی در کتاب حدیقه الشعرا آمده است: « چون شعر دیگر از ایشان دیده نشد، چند شعری از آن قصیده را که به نظر ممتاز تر از سایرین آمد نقل نمود . »

با جلال و دستگاه آید همی
خسرو اندر بارگاه آید همی
آستانش سجده گاه آید همی
یوسفت بیرون ز چاه آید همی
گاه مهر و گاه ماه آید همی

شاد باش ای اصفهان هین شاه تو
شاد باش ای بارگاه خسروی
عنقریب آید به مصر عزّ و جاه
غم مخور ای اصفهان یعقوب سان
از پی تعظیم جاهش روز و شب

(همان ، صص ۱۵۵۷-۱۵۵۶)

۱۱- حاج علی اکبر نواب شیرازی معروف به « بسمل » قصیده ای ۱۳ بیتی بر وزن و قافیه ی شعر رودکی دارد با مطلع :

باد بس عنبرفشان آید همی گویی از باغ جنان آید همی

(نواب شیرازی ، ۱۳۷۱ ، صص ۷۲۱-۷۲۰)

شاعر در قصیده ی خود بسیاری از مضامین و ترکیبات قصیده ی رودکی را آورده است ؛ از جمله :

گر بر آری حاجت همچون منی چون تویی را کی زیان آید همی

(همان ، ص ۷۲۱ ، ب ۱۳)

که هم مضمون با بیت زیر از رودکی است :

آفرین و مدح سود آید همی گر به گنج اندر زیان آید همی

(رودکی ، ۱۳۷۳ ، ص ۱۵۸)

۱۲- وقار شیرازی (۱۲۹۸-۱۲۳۲ ق) قصیده ای ۱۶ بیتی بر وزن و قافیه و مضمون شعر رودکی دارد با مطلع :

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی
مژده ی جانان به جان آید همی یا گل اندر گلستان آید همی

(وقار شیرازی ، ۱۳۸۳ ، ص ۸۱۷)

در مورد اشعار وقار باید گفت : « شیوه ی او در سروردن قصاید و ترکیب بندهایش سبک خراسانی است و بیشتر به شیوه ی شاعران سده های چهارم و پنجم آنها را سروده است ، لیکن غزلیات او به سبک عراقی است » .

(همان ، مقدمه ، ص ۵۰)

۱۳- محمد تقی بهار (۱۳۳۰-۱۲۶۵ ش) قصیده ای ۵۳ بیتی در وصف دامنه ی البرز و صفت دوستان واقعی در سال ۱۳۰۷ خورشیدی سروده که مطلع آن عبارتست از :

باد صبح از کوهسار آید همی یاد یار غمگسار آید همی

(بهار ، ۱۳۷۸ ، صص ۳۵۷-۳۵۵)

ذکر این نکته ضروری است که ملک الشعراء بهار قصیده‌ی خود را بر وزن و مضمون شعر رودکی سروده است و از حیث قافیه مغایر با قافیه‌ی شعر رودکی است.

۱۴- محمد حسین شهریار (۱۳۶۷-۱۲۸۳ ش) قصیده‌ی ۱۹ بیتی با عنوان « صیحه‌ی آسمانی » با وزن و قافیه‌ی شعر رودکی دارد با مطلع:

صیحه‌ی از آسمان آمد همی با نهیبی ناگهان آمد همی

(شهریار ، ۱۳۷۳ ، ج ۳ ، صص ۲۰۴-۲۰۵)

شهریار قصیده‌ی فوق را در شب ۲۳ رمضان ۱۴۰۳ سروده است.



نتیجه‌گیری

هنرهای مختلف رودکی « پدر شعر فارسی » از قبیل: حفظ قرآن، طبع شعری، خوانندگی و نوازندگی، تسلط و مهارت در هنر موسیقی و برربط نوازی، چیرگی در همه‌ی مضامین شعری، سهولت در الفاظ و معانی و ... باعث شده است که اشعار او از نفوذ ادبی والایی برخوردار گردد، به گونه‌ای که بسیاری از شاعران در صدد استقبال و تتبع اشعار او برآمده‌اند و این تتبع از سوی شاعران به دو صورت بوده است: یا ابیاتی از رودکی را به صورت تضمین در اشعار خود آورده‌اند و یا اشعاری بر وزن و قافیه و مضمون شعر او سروده‌اند.

نگاهی به عصر حیات، نوع و قالب شعری و تعداد آثار متبّعین، بیانگر این مورد است که بیشترین تتبع از قصیده‌ی رودکی ۱۲ مورد در قالب قصیده و کمترین آن ۴ مورد در قالب غزل بوده است. همچنین مشاهده‌ی آثار متبّعین گویای این مطلب است که بیشترین تتبع به ترتیب در قرن سیزدهم (۸ مورد)، هفتم و چهاردهم (هر کدام دو مورد) ششم و دوازدهم (هر کدام یک مورد) بوده است.

منابع

- آذر بیگدلی ، لطفعلی بیگ (۱۳۶۶) ، دیوان ، به کوشش و اهتمام دکتر حسن سادات ناصری - پروفیسور غلامحسین بیگدلی ، انتشارات علمی (جاویدان) ، تهران ، چاپ اوّل .
- امیر معزی (۱۳۸۵) ، کلیّات دیوان امیر معزی ، مقدمه ، تصحیح و تعلیقات محمد رضا قنبری ، انتشارات زوّار ، تهران ، چاپ اوّل .
- ایمانی ، بهروز (۱۳۸۳) ، « شعرهای نو یافته ی ملک محمود تبریزی » نامه ی معانی ، به کوشش بهروز ایمانی ، کتابخانه ، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ، تهران ، چاپ اوّل ، صص ۱۱۳-۲۲۵ .
- بهار ، محمد تقی (۱۳۷۸) ، دیوان اشعار ، نشر سمیر ، تهران ، چاپ اوّل .
- تفضلی ، احمد (۱۳۷۷) تاریخ ادبیّات ایران پیش از اسلام ، انتشارات سخن ، تهران ، چاپ اوّل .
- داوری شیرازی (۱۳۷۰) دیوان ، به اهتمام دکتر نورانی وصال ، نشر وصال ، چاپ اوّل .
- دولتشاه سمرقندی (۱۳۸۵) ، تذکره الشعراء ، مقدمه ، تصحیح و توضیح دکتر فاطمه علاقه ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، تهران ، چاپ اوّل .
- دیوان بیگی شیرازی ، سیداحمد (۱۳۶۴) ، حدیقه الشعرا ، با تصحیح و تکمیل و تحشیه دکتر عبدالحسین نوایی ، انتشارات زرین ، تهران ، چاپ اوّل .
- رادفر ، ابوالقاسم (۱۳۸۶) ، کتابشناسی آثار رودکی ، انتشارات مؤسسه ی تحقیقات و توسعه ی علوم انسانی ، تهران ، چاپ اوّل .
- رودکی سمرقندی ، ابو عبدالله جعفر بن محمد (۱۳۷۳) ، دیوان رودکی ، تنظیم ، تصحیح و نظارت جهانگیر منصور ، انتشارات ناهید ، تهران ، چاپ اوّل .
- ریاحی ، محمد امین (۱۳۷۴) ، گلگشت در شعر و اندیشه ی حافظ ، انتشارات علمی ، تهران ، چاپ دوّم .
- سنایی غزنوی ، مجدود بن آدم (۱۳۶۲) دیوان ، به سعی و اهتمام مدرّس رضوی ، انتشارات کتابخانه ی سنایی ، تهران ، چاپ سوّم .

سیف فرغانی (۱۳۶۴)، دیوان، با تصحیح و مقدمه ی دکتر ذبیح الله صفا، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ دوّم .

شهریار، محمد حسین (۱۳۷۳)، دیوان، انتشارات نگاه، تهران، چاپ دوّم .

صدرالممالک اردبیلی (۱۳۸۶) دیوان، تصحیح و مقدمه دکتر جواد نوربخش، انتشارات اسوه، تهران، چاپ اوّل .

صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ دوازدهم.

عنصری بلخی (۱۳۶۳) دیوان، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، انتشارات چاپخانه ی سنایی، تهران، چاپ سوّم .

غالب دهلوی (۱۳۸۱)، سومنات خیال، (قصیده های فارسی غالب دهلوی)، مقدمه - تصحیح و تحقیق دکتر محمد حسن حائری، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ اوّل .

فروزانفر، بدیع الزّمان (۱۳۶۹)، سخن و سخنوران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ چهارم .

مدبری، محمود (۱۳۷۰)، شرح احوال و اشعار شاعران بی دیوان، نشر پانوس، تهران، چاپ اوّل .

ناصر خسرو (۱۳۶۸)، دیوان، به تصحیح مجتبی مینوی - مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوّم .

نظامی عروضی سمرقندی (۱۳۷۶)، چهار مقاله، شرح و توضیح دکتر سعید قره بگلو، دکتر رضا انزابی نژاد، انتشارات جامی، تهران، چاپ اوّل .

نفیس، سعید (۱۳۸۲)، محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، انتشارات اهورا، تهران، چاپ اوّل .

نواب شیرازی، حاج علی اکبر (۱۳۷۱)، تذکره ی دلگشا، تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی، انتشارات نوید شیراز، چاپ اوّل .

وقار شیرازی (۱۳۸۳)، دیوان، با مقدمه ی دکتر ماهیار نوابی، به تصحیح دکتر داریوش کاظمی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی کرمان، چاپ اوّل .